

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۳۰ دسمبر ۲۰۲۴



یونس نگاه

امارت طالبان نمی‌تواند از تی‌تی‌پی دوری جوید

در اواخر جمهوریت دلخوری از پاکستان میان ارگ نشینان به اوج رسیده بود. گفته می‌شد که کرزی و اشرف‌غنی بارها به اسلام‌آباد و راولپندی رفته و وعده سپرده بودند که حاضرند خواست‌های قانونی پاکستان را پوره کنند، به شرطی که پاکستان در کنترل طالبان همکاری کند.

گفته می‌شد که پاکستان نیز وعده‌های چرب می‌داد و هر بار بر خواسته‌های قبلی یگان شرط عجیب و غریب اضافه می‌کرد. یک بار گفته بودند که اگر فلان کارها را کنید، ما طالبان را در شش ماه از صحنه جنگ بیرون می‌کنیم.

دلخوری و شکایت ارگ به جامعه نیز ساری می‌شد. خیلی از ما هنوز به این باوریم که طالبان دستپخت پاکستان‌اند و از این‌رو آنان می‌توانند مدیریت یا حتی نابودش کنند.

مسأله اما این است که هر پدری قادر نیست پسرش را نابود/اداره کند، و هر سازنده‌ای قادر نیست دست‌سازش را دوباره به نقطه صفر برگرداند. گاهی ساخته، بخشی از وجود و هویت سازنده می‌شود. گاهی ساخته و فرزند لگام امور را به دست می‌گیرد و پس از مدتی خودش به راهی می‌رود.

خصوصاً ساخته‌های زنده چون طالبان آن‌گونه که تصور می‌کنیم قابل مدیریت نیستند. اگر پاکستان توانایی اداره طالبان را می‌داشت، حتماً در جایی آن را به قیمت کلان می‌فروخت.

بنیادگرایی و طالبانیزم در خمیر سیاست، اقتصاد و فرهنگ پاکستان ترکیب شده است، و کنترل آن دیگر در اختیار حاکمان نیست. تنها در صورتی که یک تحول عمیق سیاسی و اجتماعی طی چند دهه در آن کشور به‌وجود آید و ساختار کنونی اردو، استخبارات، اقتصاد و سیاست کشور را دگرگون کند، آن‌گاه شاید بنیادگرایی در پاکستان کنترل گردد.

درست است که بنیادگرایی ابزاری در اختیار اردو است، ولی این ابزار مثل تفنگ و باروت نیست. بلکه طی نیم قرن یا بیشتر بازی با بنیادگرایی اسلامی بخشی از اردو و استخبارات و جامعه پاکستان بنیادگرا و طالبانی شده است. روابط

خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی رهبران و جنگجویان طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی با رهبری و مأموران نظامی و سیاسی پاکستان بسیار پیچیده شده و دوری جستن از آن مثل دوری جستن از خود برای حاکمان پاکستان سخت است. پاکستان می‌توانست طالبان را حمایت کند ولی نمی‌توانست آن گروه را نابود کند، همان‌طوری که امروز می‌تواند با تی‌تی‌پی بجنگد، آشتی کند و حتی با آن در مواردی همکاری نماید ولی قادر نیست از صحنه حذف کند. طالبان افغانستان نیز حالا نمی‌تواند تی‌تی‌پی را از خود برانند یا مانع فعالیت‌اش شوند. تی‌تی‌پی و طالبان افغانستان مکمل همدیگر اند، حامی و همکارند و تنها با هم می‌توانند بقا یابند. برای طالبان دور کردن ملامت الله از رهبری امارت آسان‌تر و عملی‌تر از دوری جستن از تی‌تی‌پی است.

تروریسم و بنیادگرایی دیگر از حد سازمان و گروه ماجراجوی چند صد یا چند هزار نفری در دوسوی خط دیورند بسیار فراتر رفته و با توده مردم، سیاست منطقه، اقتصاد و فرهنگ و مذهب ما عجین شده است. برای نجات از آن نیاز به تحول بنیادی داریم. پاکستان اگر کل پکتیا را بمباران کند و حتی حمله کرده خوست را تصرف نماید، باز هم تی‌تی‌پی و طالبان در دره غازی‌خان و پیشاور و قشلاق و وزیرستان توانائی بم‌گذاری و جنگ خواهند داشت، و با هم خواهند ماند.